

ابراهیم صفائی

انجمن منخفی صاحب الزمان

انجمن‌های سری سیاسی سالها پیش از آغاز مشروطه و همچنین در آغاز عصر مشروطه در ایران پدیدار شدند و بمنظور تغییر نظام اجتماعی و انجام اصلاحات و استقرار اصول آزادی و عدالت کوشش‌هایی بکار بستند و با آنکه سازمان و رهبری صحیح نداشتند و برخی از گردانندگان انجمنها هم بدنبال جاه و شهرت و پول و ثروت بودند و بازمراکز مرموز سیاسی الهام می‌گرفتند ولی در هر حال کوشش آن انجمن‌ها در بیداری افکار مردم و فراهم آوردن مقدمات نهضت مشروطه تأثیر بسزاداشت و اینک یکی از آن انجمن‌های سیاسی را به اختصار می‌شناسیم.

سید محمد طباطبائی که مجتهدی با تقوا و روشنفکر بود و در عین حال از فراماسونهای معروف به شمار می‌آمد، در دوران مظفرالدین شاه برای افتتاح مدارس جدید کوشش کرد و خود بسال ۱۳۱۷ ق «مدرسه اسلامی» را در طهران تأسیس نمود و چون مردم بیشتر از فرستادن فرزندانشان بمدارس جدید خود داری می‌کردند و برنامه تعلیمات جدید را باعث ترویج فساد و سستی بنیان معتقدات دینی می‌پنداشتند، سید محمد که ملائی با پرهیز و نیکنام بود ریاست مدرسه را به سید اسداله طباطبائی برادر خود سپرد و نظامت آن را

بعهدۀ ناظم الاسلام کرمانی و مدیریت مدرسه رابعهدۀ سید محمد صادق طباطبائی فرزند خود واگذار نمود.

در عین حال برای ترغیب بیشتر مردم شخصاً در کارهای مدرسه نظارت داشت و غالب اوقات بمدرسه سرکشی میکرد و در جلسه های امتحانات مدرسه حاضر می شد و دیگر مردم را به گشودن مدارس جدید تشویق می نمود زیرا معتقد بود برای بیداری افکار هیچ راهی بهتر از گشودن مدارس جدید و افزایش تعداد تحصیلکردگان نیست و تا مردم حقوق دولت را بر ملت و حقوق ملت را بر دولت باز نشناسند در مقام حفظ حقوق یا انجام وظایف ملی و قومی خود بر نمی خیزند. طباطبائی در حالیکه هنگام تبعید اتابک به قم برای بازگشت او کوشش میکرد و ضمن نامه ای به اتابک نوشت :

« امید است خداوند جلت قدرته ببرکت امام عصر . . . (ع) فرج را نزدیک کند و داعیان را مسرور فرماید . . . تا همه جا حاضر و از برکت اولیاء حق بمقصود خواهیم رسید متوکلاً علی الله از آنچه لازمه ارادت است دقیقه ثی متروک نخواهد ماند. » (رهبران مشروطه ج اول) در سال ۱۳۲۱ ق بگفته ناظم الاسلام کرمانی که محرر طباطبائی بود، برای پیشرفت کار مدارس جدید عزل امین السلطان (اتابک) را از مظفرالدین شاه خواستار شد و برکناری او را منحصرأ بر اثر تقاضا و اقدام خود میدانست . (تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۱۰) در حالیکه عزل اتابک علل بسیاری داشت که مهم ترین علت استغراض از روس و عدم رضایت انگلیسها و کاترشنکی و توطئه گری « هاردینگ » وزیر مختار انگلس بر ضد او بود ، اگر طباطبائی هم تقاضای عزل او را نموده ممکن است با پیشنهاد « چیرول » دیپلمات انگلیسی ارتباط داشته باشد ، چون چیرول برای برکناری اتابک راه مخالفت علماء را ارائه داد و نوشت :

بعضی از علمای متنفذ در طهران نسبت به آینده دچار بیم و هراس شده اند،

ولخرجی‌های دربار و قرض‌های روس، عدم رضایت عمومی را شدیدتر کرده ممکن است عده‌ئی از علمای متعصب باین پیشامدها اعتراض کرده این صدای خطرناک را بلندکنند که، «مملکت را دارند بکافران می‌فروشند» (کتاب مسئله خاورمیانه ص ۲۹۷ - روابط سیاسی ایران و انگلیس صفحه ۱۲۷۱) و این نیز درخور یاد آوری است که اتابک شخصاً استعفا داد یعنی اوضاع و احوال او را به استعفا مجبور کرد و مظفرالدین شاه، میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله نائینی وزیر امور خارجه را که از حق ناشناس‌ترین نوکرهای اتابک بود مأمور گرفتن استعفای او نمود (ص ۴۷۴ کتاب زندگی سیاسی اتابک اعظم). - بهر- حال کاری باین نداریم که مخالفت طباطبائی با اتابک (پس از سالها دوستی و پشتیبانی و بهره‌مندی از او) از کجا رشد می‌گرفت. همینکه اتابک کنار رفت، عین‌الدوله زمامدار شد اما او نه بذل و بخشش اتابک را داشت و نه ملامت و تدبیر وی را و ذاتاً هم مرتجع بوده درحالیکه اتابک خوی متجددانه داشت. همین درشتی خوی و سختگیری و استبداد رأی عین‌الدوله موجب تشکیل جمعیت‌ها و ایجاد شورش‌هایی گردید که سرانجام به نهضت مشروطه منتهی شد، یکی از آن جمعیت‌ها همان انجمن مخفی بود که به دستور طباطبائی در هجدهم ذی‌حجه ۱۳۲۳ ق محرمانه پدید آمد و انجمن صاحب‌الزمان نیز نامیده می‌شد. نخستین جلسه انجمن مخفی در خانه شیخ محمد ناظم‌الاسلام کرمانی محرر سید محمد طباطبائی تشکیل گردید و این اشخاص در جلسه انجمن حضور یافتند. سید برهان‌الدین خلخالی - ادیب بهبهانی - ذوالر یاستین کرمانی سید احمد ناظم‌الشریعة کرمانی - سید یوسف سیر جانی - مجدالاسلام مدیر روزنامه ادب - شیخ محمد سلطان المحققین - شیخ مهدی سلطان المتکلمین - شیخ یحیی کاشانی - سید حسن کاشانی (برادر مؤیدالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین)

میرزا محمد گلپایگانی - حاجی ملاعباسعلی واعظ - شیخ محمد شیرازی جلسه های انجمن سیار بود و هر هفته در اقامتگاه یکی از اعضاء تشکیل می شد .

در جلسه های اولیه انجمن چون کسی جرأت دم زدن و انتقاد از دولت را نداشت . ناظم الاسلام کرمانی يك نسخه از کتاب « ابراهیم بیگ » را به دست آورده بود و مطالب انتقادی این کتاب در جلسه های انجمن خوانده می شد و فکر و ذهن آنان برای توجه بنواقص و معایب امور آماده میگردید .

این انجمن از جمعی واعظ و طلبه بی پول بوجود آمد ، خود سید محمد طباطبائی که موسس واقعی انجمن بود نیز پولی نداشت ولی گاهی مختصر هدایائی برای انجمن بطور سری میرسید و برای ادامه کار انجمن تسهیلاتی فراهم میگردید ولی بیشتر اعضای انجمن ترسو بودند و حتی از همسایگان خود بیم داشتند و برای آنکه مأمورین دولت مزاحم انجمن نشوند به دستور سید محمد از جلسه ششم بعد این انجمن مخفی بصورت جلسه روضه خوانی اداره می شد یعنی در آغاز انجمن و در پایان آن یکی از واعضان عضو انجمن با صدای بلند روضه می خواندند از همسایگان را متوجه تشکیل روضه خوانی خصوصی بنماید ، سپس در بین دو روضه خوانی صحبت های انتقادی و اجتماعی و سیاسی مطرح میگردید و ناظم الاسلام خلاصه صورت مذاکرات هر جلسه را به اطلاع سید محمد میرسانید .

برای این انجمن مخفی بانظریه طباطبائی نظامنامه تی در پانزده ماده تهیه گردید و در هشتمین جلسه توسط ذوالر یاستین کرمانی قرائت شد و بتصویب رسید ماده یکم تانهم نظامنامه بدین قرار است .

۱ - انعقاد این انجمن فقط برای بیداری برادران وطنی و ابناء وطن و آگاهی آنها بحقوق خود و رفع ظلم و چاره جوئی برای اصلاح مفاسد

مملکتی است .

۲- در این انجمن از پیروان چهار مذهب (دیانت) پذیرفته می‌شود. اول اشخاصی که تحت کلمه جامعهٔ لاله‌الله-محمدآ رسول‌الله میباشند . دوم طایفهٔ زرتشتیان- سوم یهود- چهارم نصاری- بشرط آنکه ایرانی الاصل باشند.

۳- هر کس وارد این انجمن می‌شود اول باید شهادت بذات باری تعالی و پیغمبر خود بدهد و به کتب آسمانی بهر کدام که معتقد است قسم یاد کند که تا دم مرگ از این انجمن غرضی جز نوع پرستی نداشته باشد و هم خود را مصروف بخدمت نوع و وطن نماید .

۴- چون اشخاصی که در این انجمن پذیرفته می‌شوند از این چهار مذهب همه به ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه در آخر الزمان قائلند از این جهت این انجمن در تحت رسم مبارک آن حضرت است و لذا اسم ریاست در این انجمن بر کسی گذارده نمی‌شود و تمام اشخاص در حکم شخص واحد است .

۵- در هر جا که این انجمن منعقد شود در آخر مجلس قبل از تفرق اشخاص باید يك نفر روضه بخواند یعنی مصائبی را که پیشوایان مذهب ما برای بسط و نشر عدالت متحمل شده‌اند تذکر دهد و مجلس بنام مجلس روضه ختم شود.

۶- اهل انجمن باید رعایت حال یکدیگر را در هر حال داشته باشند لکن تکالیف شاقه بر یکدیگر نکنند.

۷- تکالیف رکیکه و مجادله و سخت‌گویی و مزاح و بدخلقی و کذب و بهتان بکلی ممنوع است.

۸- مذاکرات انجمن باید راجع بتربیت و بیداری نوع و خیر خلایق و اظهار ظلم ظالمین و چاره جوئی و استخلاص برای مظلومین باشد .

۹ - توقیر علماء هر طایفه فریضه ذمه انجمن است پس بر هر يك از طبقات لازم است که علماء را محترم بدارند و آنها را بر خطرات اهالی وطن آگاه نمایند و آنان را عندالله و عندالرسول مسؤول قرار دهند.

از ماده دهم تا پانزدهم نظامنامه در جایی نوشته نشده و ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری یسار آوری کرده که این مواد متعلق بر رموز و اسرار انجمن بوده و از اظهار آن ممنوع بوده است و ظاهراً مواد ششگانه دهم تا پانزدهم نظامنامه هدف‌های سیاسی و تعلیمات فراماسونی انجمن را در برداشته است. از کوشش‌های این انجمن و تاثیر آن در ایجاد نهضت مشروطه در مقاله دیگر سخن خواهد رفت.

حافظ در جوانی باقتضای روح خفیف و طبع لطیف شاعرانه و ایجابات محیط و جلگه طرب انگیز شیراز بامی و معشوق سر و کار داشته و باید این قسمت از ابیات او را شناخت و بدون تأویل و توجهات بارد به معنی لغوی و ظاهری پذیرفت و هیچ لازم نیست که اثر از مؤثر و لازم را از ملزوم تفکیک کنیم. هر سنی اقتضائی دارد و جز این اجتهاد در مقابل نص کرده‌ایم و از شناختن حافظ دور خواهیم ماند.

(حافظ‌شناسی)